

مطالبات انباشته، وعده‌های محقق نشده، فشار معیشتی

صدای خسته معلمان در هیاهوی سکوت مسئولان

اگر گذرت به خیابان شهید قرنی بیفتد و از مقابل وزارت آموزش وپرورش عبور کنی، بعید است تجمع گروهی از معلمان را نبینی که برای احقاق حقوق خود گرد هم آمده‌اند. معلمان سپیدموی بازنشسته و جوان ترها، با پلاکاردهایی در دست، شعارهایی چون «رتبه‌بندی حق ماست، نتیجه رنج ماست»، «خواسته

مسائل صنفی معلمان در ایران امروز، تصویری پیچیده و چندلایه از وضعیت آموزش وپرورش کشور ترسیم می‌کند که در آن مطالبات معیشتی، امنیت شغلی، سرکوب فعالان صنفی و تغییرات ساختاری در نظام آموزشی درهم‌تنیده‌اند. از منظر معیشتی، حقوق معلمان با توجه به تورم و هزینه‌های زندگی، کفاف نیازهای اولیه آنان را نمی‌دهد و این‌ موضوع اصلی‌ترین دلیل اعتراضات مکررشان است. این نارضایتی در مدارس دولتی که حقوق و مزایای ثابتی دارند، پررنگ‌تر است، درحالی‌که معلمان مدارس غیردولتی نیز با نبود امنیت شغلی و مزایای ناکافی دست‌به‌گریبانند. طرح رتبه‌بندی معلمان که با هدف افزایش انگیزه، شناسایی تخصص و بهبود وضعیت معیشتی طراحی شده، بارها به تعویق افتاده یا ناقص اجرا شده است. بسیاری از معلمان از نحوه اجرا و روند ارزیابی‌های این طرح ناراضی‌اند. افزون بر این، بخش زیادی از معلمان با قراردادهای موقت و وضعیت شغلی ناپایدار مشغول کارند که این امر به بی‌ثباتی اقتصادی، نگرانی دائمی از آینده شغلی و کاهش تمرکز بر کیفیت تدریس منجر شده است.

بحران مزمن در آموزش وپرورش

اعتراضات و اعتصابات سراسری معلمان در سال‌های اخیر، از جمله در مهر ۱۳۹۷ و ۱۴۰۲، عمق بحران در حوزه آموزش وپرورش را نشان می‌دهد. معلمان در این اعتراضات خواستار رسیدگی به وضعیت معیشتی، آزادی معلمان زندانی، اجرای کامل قانون رتبه‌بندی و توقف برخوردهای امنیتی و قضایی با فعالان صنفی بوده‌اند. این تجمعات در شهرهای مختلف ایران برگزار شده و تصویری از معلمانی است که یکپارچه خواستار بهبود شرایط شغلی و معیشتی خود هستند. یکی از نکات قابل توجه، نفوذ حوزه‌های علوم دینی در آموزش وپرورش و جذب طلاب به‌عنوان معلم در رشته‌های مختلف است که از سوی کانون صنفی معلمان، نشانه‌ای از نگاه غیرتخصصی و بی‌اعتمادی به علم جدید تلقی شده و مورد انتقاد قرار گرفته است. از سوی دیگر، سرکوب فعالان صنفی از طریق برخوردهای قضایی و اداری، فضای ناامنی را در میان قشر فرهنگی جامعه ایجاد کرده است. تعلیق، اخراج، بازنشستگی اجباری و محرومیت از مزایای رتبه‌بندی، ابزارهایی برای فشار بر معلمان است که به گفته فعالان صنفی، به بازوی امنیتی وزارت آموزش وپرورش تبدیل شده است. این سرکوب‌ها اگرچه جریان صنفی معلمان را تضعیف کرده، اما با مقاومت‌های فردی مواجه شده است. بااین حال، مقاومت‌ها فاقد سازمان‌دهی قوی و فراگیر است. وضعیت مذکور نیازمند رویکردی نوآورانه برای سازمان‌دهی غیرمتمرکز، افزایش مشارکت اجتماعی و بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی و بین‌المللی است تا از حقوق معلمان دفاع کند و کیفیت آموزش را ارتقا دهد.

بررسی نقش آموزش و پرورش در نظام‌های رفاهی

پیوند دانش، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار

نظام‌های رفاهی در جهان، همواره به دنبال تأمین حداقلی از زندگی با کیفیت برای تمامی شهروندان خود هستند. آلفرد زمین، محقق آکسفورد کلمه دولت رفاه را در وصف دولت‌های دموکراتیک در برابر دولت‌های دیکتاتور و فاشیست به کار می‌برد. فراهم کردن خدمات بهداشتی، تأمین اجتماعی، مسکن و از همه مهم‌تر آموزش و پرورش از وظایف دولت رفاهی به‌شمار می‌رود. آموزش، نه‌تنها یکی از ارکان کلیدی در ایجاد برابری فرصت‌ها، بلکه ابزاری بنیادین برای شکوفایی فردی، ارتقای سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. نقش آموزش و پرورش به‌عنوان بخشی از ساختار نظام رفاه اجتماعی غیرقابل انکار است و رابطه آن با عدالت اجتماعی، توسعه انسانی و توانمندسازی اقشار محروم همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و تحلیلگران اجتماعی است.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام‌های رفاهی، تحقق عدالت اجتماعی است. در این زمینه آموزش عمومی رایگان می‌تواند نابرابری‌های ساختاری ناشی از تفاوت‌های طبقاتی، جنسیتی و قومی را کاهش دهد. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای اسکاندیناوی، نظام‌های آموزشی طوری طراحی شده‌اند تا کودکان با هر زمینه اقتصادی و اجتماعی، به فرصت‌های برابر برای موفقیت دسترسی داشته باشند.

فشار مضاعف، راه بی‌بازگشت

دلایل متعددی معلمان را به اعتصاب سوق داده است:

- حقوق پایین و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی با توجه به تورم و گرانی که قدرت خرید معلمان را کاهش داده است.
- شرایط نامناسب محیط کار، شامل کلاس‌های شلوغ، کمبود امکانات آموزشی و شرایط فیزیکی نامطلوب مدارس که توان جسمی و روحی معلمان را تحلیل می‌برد.
- نبود چشم‌انداز روشن برای ارتقای شغلی و ناآرامدی ساختار آموزش وپرورش که انگیزه معلمان را پایین می‌آورد.
- بازداشت و تهدید معلمان معترض که فضای امنیتی شدیدی بر فعالیت‌های صنفی حاکم کرده و نارضایتی را تشدید کرده است.
- کاهش بودجه آموزش وپرورش و سیاست‌های نادرست دولتی که به بحران در نظام آموزشی دامن زده و معلمان را در شرایط سخت‌تری قرار داده است.
- تأخیر در پرداخت حقوق و مزایا و عدم اجرای کامل قانون رتبه‌بندی که از مطالبات اصلی معلمان در اعتصابات محسوب می‌شود.

این عوامل در کنار هم، معلمان را برای دفاع از حقوق و مطالبات صنفی خود به اعتصاب و تحصن واداشته است.

نقش رسانه‌ها در اعتراضات معلمان

رسانه‌ها نقش مهمی در بازنمایی اعتراضات معلمان در ایران ایفا می‌کنند. آن‌ها با توجه ویژه به این موضوع، رسالت خود می‌دانند که مردم را از کم‌وکیف فعالیت‌های

معلمان آگاه کنند. اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی رسانه‌ها از طریق پوشش اخبار اعتراضات، وضعیت معیشتی نامناسب، دستمزدهای پایین و مشکلات صنفی، به افزایش آگاهی عمومی کمک کرده است. شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مستقل نیز بستری برای ارتباط معلمان با یکدیگر فراهم کرده‌اند تا اطلاعات مربوط به اعتراضات را به اشتراک بگذارند و برای برگزاری تحصن‌ها و تجمعات هماهنگ شوند. رسانه‌ها با انتشار مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و مقالات انتقادی درباره وضعیت معلمان، صدای آنان را به گوش مسئولان و مردم می‌رسانند و فشار بر دولت برای رسیدگی به مطالباتشان را افزایش می‌دهند. همچنین با پوشش سرکوب اعتراضات، بازداشت فعالان صنفی و تهدید معترضان، از معلمان در برابر فشارهای امنیتی حمایت کرده و توجه افکار عمومی را به نقض حقوق آن‌ها جلب می‌کنند. رسانه‌ها با مقایسه وضعیت معیشتی معلمان با سایر اقشار جامعه و معلمان کشورهای دیگر، نابرابری‌ها را برجسته کرده و به افزایش احساس نارضایتی و جست‌وجوی راه‌حل کمک می‌کنند.

حل مشکلات معلمان

هدف از این فعالیت‌ها، حل مشکلات معلمان و بهبود شرایط زندگی و کار آن‌هاست. در این زمینه، راهکارهای متعددی پیشنهاد شده است:

- افزایش حقوق و بهبود وضعیت معیشتی معلمان، متناسب با تورم و هزینه‌های زندگی و توانایی تأمین

امنیت مالی.

- اجرای کامل و عادلانه قانون رتبه‌بندی فرهنگیان و فراهم کردن فرصت‌های ارتقای شغلی براساس تخصص و تعهد.
- کاهش تراکم کلاسی و بهبود شرایط محیط کار با تجهیز مدارس به امکانات آموزشی و فناوری‌های نوین.
- جذب معلمان متخصص و متعهد، تربیت آن‌ها طبق یافته‌های علمی و روان‌شناسی تربیتی و ایجاد انگیزه و تشویق مستمر.
- افزایش استقلال و تمرکززدایی در مدیریت مدارس و واگذاری اختیارات به مدیران و معلمان برای تقویت انگیزه و خلاقیت در آموزش.

- تقویت مشارکت اولیا و جامعه در امور آموزشی و پرورشی و ایجاد نظام نظارتی مؤثر برای بهبود کیفیت آموزش.
- تغییر نگاه به آموزش وپرورش از مصرف‌گرایی به سرمایه‌گذاری و تعامل سازنده با سایر نهادهای اجتماعی برای تحقق اهداف کلان آموزشی.
- نقش آموزگاران به‌عنوان ستون اصلی نظام آموزشی هر کشور غیرقابل انکار است. مشکلات صنفی معلمان در ایران، زنگ خطری برای نظام آموزشی کشور است. حل این مشکلات نیازمند اراده جدی و برنامه‌ریزی دقیق از سوی دولت و نهادهای ذی‌ربط است. بدون توجه به حقوق و خواسته‌های معلمان، نمی‌توان انتظار رشد و پیشرفت در حوزه آموزش داشت. رسیدگی به این مسائل، نه‌تنها بهبود وضعیت این قشر، بلکه سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آینده کشور را به دنبال دارد.

آموزش در دوران بحران

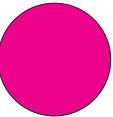
در بحران‌هایی چون همه‌گیری کرونا یا بلایای طبیعی، آموزش به یک ابزار حمایتی حیاتی تبدیل می‌شود. تعطیلی مدارس در دوران کرونا، شکاف‌های آموزشی و رفاهی را عیان کرد. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، نظام‌های رفاهی توانستند با فراهم‌سازی آموزش آنلاین، ارائه تبلت و اینترنت رایگان و حمایت روانی از دانش‌آموزان، از آسیب‌پذیری بیشتر اقشار ضعیف جلوگیری کنند. سیاست‌گذاران رفاهی موفق در دنیا، آموزش را یک عنصر بین‌رشته‌ای در طراحی سیاست‌ها در نظر می‌گیرند. آموزش باید در هماهنگی با سیاست‌های بهداشت عمومی، اشتغال، مسکن و حمایت اجتماعی قرار گیرد. به‌طور مثال، اجرای برنامه‌های تغذیه مدرسه‌ای، هم از فقر غذایی می‌کاهد و هم باعث بهبود تمرکز تحصیلی می‌شود. از سویی ایجاد مدارس محلی همراه با خدمات درمانی و مشاوره‌ای، به‌عنوان «مدارس جامع رفاه‌محور» در بسیاری از کشورهای پیشرفته رایج شده است. در نهایت باید گفت آموزش و پرورش، فراتر از یک نهاد فرهنگی یا آموزشی صرف، در قلب نظام‌های رفاهی قرار دارد. این نهاد نقش کلیدی در تحقق عدالت اجتماعی، توانمندسازی فردی، توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. نادیده گرفتن آموزش در برنامه‌ریزی‌های رفاهی، موجب تضعیف بنیان‌های عدالت و فرصت‌های برابر خواهد شد. بنابراین، تقویت نظام‌های آموزشی عمومی، رایگان، با کیفیت و در دسترس همگان، باید یکی از اولویت‌های اصلی هر نظام رفاهی مترقی باشد.

جامعه

۱۳

A T I V E N O

نکته
P O I N T



محمد مشکی

روزنامه نگار

آن سوی تخته سیاه

اولین‌بار که آقای حسینی معلم کلاس چهارم‌ر را توی صف نانوائی سنگی دیدم، آن‌قدر برایم عجیب بود که انگار یک آدم فضایی را وسط شهر دیده‌ام. بله، مواجهه ما با معلم‌ها جور دیگری بود. ما فکر می‌کردیم آن‌ها هیچ‌وقت توی صف نان و میوه نمی‌ایستند. حالا اما آن تصورات ابتدایی رنگ باخته؛ گاهی اسنپ می‌گیری و می‌بینی یک معلم راننده است. به نظرت هم طبیعی می‌رسد، چون شرایط اقتصادی طوری شده که قطعاً معلمان بدون کار دوم و سوم نمی‌توانند مخارج زندگی‌شان را تأمین کنند. نمی‌دانم تصور دانش‌آموزان الان از معلم‌ها چطور است؟

تصویر جامعه در مورد معلمان، داشتن تعطیلی سه‌ماهه و مزایای اینچنینی است، اما درآمد پایین معلم‌ها و سختی کار آن‌ها و فشار عصبی‌ای که تحمل می‌کنند ساده از نظر دور می‌شود. تصور کنید بخواهید ۴۰ دختر یا پسر هفت تا هشت ساله را در یک کلاس کنترل کنید؛ کاری که پدر و مادرها در مورد یک یا دو بچه هم از انجام آن عاجزند. خوشحالی مادرها از فرارسیدن اول مهر، کم از خوشحالی بعد از گل رونالدو ندارد چون حداقل تا ظهر در خانه آرامش برقرار است.

حالا نگاهی بیندازیم به وضعیت موجود آموزش و پرورش و اینکه چه چیزهایی داد معلمان را درآورده است. متأسفانه معمولاً ضعیف‌ترین وزرا برای وزارت آموزش و پرورش انتخاب می‌شوند، به نسبت دربرگیری و اهمیت فعالیت، کمترین بودجه به این وزارتخانه تعلق می‌گیرد. مدارس کشور با حدود ۵۵۰ هزار کلاس درس اکثر نیاز به تعمیرات اساسی دارند. تعداد زیادی از مدارس توسط خیرین ساخته شده، هنوز مدارس دولتی دو شیفته و کلاس‌ها با حدود ۴۰ دانش‌آموز برگزار می‌شود. عمده هزینه‌های مدارس دولتی از کمک‌های اولیا تأمین می‌شود که اگر این کمک‌ها نباشد ابتدایی‌ترین امکانات از جمله نقاشی و نیازهای بهداشتی مدارس از طریق بودجه اختصاص‌یافته، قابل تأمین نیست و حتی امکان پرداخت هزینه رفتگر مدرسه هم با مشکل مواجه می‌شود. معلم‌های شاغل در مدارس دولتی، با معلم‌های شاغل در مدرسه غیرانتفاعی قابل مقایسه نیستند؛ از امکانات آموزشی تا تعداد دانش‌آموزان حاضر در کلاس و نحوه برخورد کار مدیریتی. بگذریم از اینکه براساس مر قانون اساسی قرار بوده مدارس تا دبلم رایگان باشد. واقعیت این است که حداقل عدالت آموزشی در مورد معلمان در کشور اتفاق نمی‌افتد. پرداخت به‌موقع حقوق و مزایا از حداقل‌های مورد انتظار برای این زحمتکشان است. آن‌ها با تدریس قراردادی، عدم تصویب قانون رتبه‌بندی و ارتقای معلمان، معوقات پرداختی و... دست به‌گریزانند. هنوز خواهر من و خیلی دیگر از معلمان، سرفه‌های ناشی از کار با گچ و تخته را همراه خود دارند. اقوال متنوعی از این جمله را شنیده‌ام که «اگر می‌خواهید یک جامعه را بشناسید به رفتارشان با ... توجه کنید.» جای خالی را وقتی با «معلم» پر کنیم و به نحوه جذب، استخدام، آموزش و کار گزینی معلمان، حقوق پرداختی و مزایا و رهايات معلمان دقیق شوم نتیجه می‌گیریم که جامعه شرایط مساعدی ندارد. شایسته و بایسته است که معلمان از با استعدادترین افراد جامعه، با آزمون‌های مناسب و برحسب علاقه‌مندی‌شان جذب و استخدام شوند، با بهترین آموزش‌ها در بهترین دانشگاه‌ها آماده پرورش کودکان جامعه شوند و با حقوق و مزایای مناسب و بدون دغدغه مادی به کار خود بپردازند. اما متأسفانه هیچ‌یک از «ترین‌ها» در جامعه ما اتفاق نمی‌افتد و نتیجه آن نزول مداوم جایگاه معلم در جامعه و کاهش کیفیت آموزش در مدارس شده است.



سمیرا مرادی

روزنامه نگار

۶۶

اجرای ناقص

رتبه‌بندی و تورم

افسار گسیخته،

فشار مضاعفی بر

معلمان وارد کرده

و انگیزه حرفه‌ای

آنان را افرسوده

است